

ترجمه و برداشتی

از:

قرآن مجید

جزوه هشتاد و هفتم

ترجمه و برداشت: از استاد سید حسن ابطحی

تنظیم موضوعی: جمعی از دانشمندان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ
وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ لَا سِوَا عَلَى
بَقِيَّةِ اللَّهِ رُوحِي وَأَرْوَاحُ الْعَالَمِينَ لِتُرَابٍ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

این جزوه باموضوع بندی مسئله «تزکیه نفس» از آیات قرآن تنظیم شده و هر آیه ای که مربوط به موضوعی از این علم است بعد از همان آیه ترجمه شده و سپس برداشتی از آیات در فصل جداگانه ای ارائه داده شده است. و بخاطر آنکه مباحثمان فعلاً در مسائل تزکیه نفس است قبل از مسائل اعتقادی آیاتی که مربوط به مراحل تزکیه نفس است در این جزوه آورده شده است.

ضمناً نباید گمان کرد، آنچه را که در اینجا می نویسیم تفسیر آیات قرآن بوده و یا حتی توضیح قرآن است. بلکه فقط یک نوع راهنمایی است که برای تدبّر بیشتری در قرآن و توجّه دوستان به سخنان حضرت حقّ جلّ و علایادآوری شده است.

تا ان شاء الله سالکین إلى الله با تأمل زیادتری موفّق به قرائت قرآن گردند. و ضمناً آیاتی که در این جزوه قرائت می شود جابجا شده و تنظیم موضوعی گردیده است.

یعنی اگر شما بخواهید آیانی که مربوط به تزکیه نفس است را پشت سر هم قرائت کنید به ترتیب قرآن مجید در این جزوه آورده شده است و بعدها سایر آیات که مربوط به عقاید و فروع احکام است در جزوات جداگانه ای آورده خواهد شد ان شاء الله.

به امید موفقیت و السلام

سید حسن ابطحی



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

آيات ٤٢ - ٢٣ از سورة مباركة غافر

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٢٣﴾ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ
قَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ ﴿٢٤﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا
أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَ اسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَ مَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي
ضَلَالٍ ﴿٢٥﴾ وَ قَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَىٰ وَ لْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ
يَبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفُسَادَ ﴿٢٦﴾ وَ قَالَ مُوسَىٰ إِنِّي عُذْتُ
بِرَبِّي وَ رَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٢٧﴾ وَ قَالَ رَجُلٌ
مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَ تَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَ قَدْ
جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَ إِن يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَ إِن يَكُ صَادِقًا
يُصِيبْكُمْ بِغَضِ الَّذِي يُعِدُّكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ﴿٢٨﴾ يَا
قَوْمِ لَكُمْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنْ بَأْسِ اللَّهِ إِنْ
جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَ مَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ

الرَّشَادِ ﴿٢٩﴾ وَ قَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ

الْأَحْزَابِ ﴿٣٠﴾ مِثْلَ دَابِّ قَوْمِ نُوحٍ وَ عَادٍ وَ ثَمُودَ وَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَ مَا

اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ ﴿٣١﴾ وَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ ﴿٣٢﴾ يَوْمَ

تَوَلُّونَ مُدْبِرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَ مَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ

هَادٍ ﴿٣٣﴾ وَ لَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا

جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّى إِذَا هَلَكَ قُلُوبُكُمْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ

اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ ﴿٣٤﴾ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ

سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبْرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ

عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ ﴿٣٥﴾ وَ قَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانُ ابْنِ لِي صَرْحًا لَعَلِّي

أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ ﴿٣٦﴾ أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلَعَ إِلَى إِلِهِ مُوسَى وَ إِنِّي لَأَظُنُّهُ

كَاذِبًا وَ كَذَلِكَ زَيْنٌ لِفِرْعَوْنَ سُوءِ عَمَلِهِ وَ صُدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَ مَا كَيْدُ

فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ ﴿٣٧﴾ وَ قَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ

الرَّشَادِ ﴿٣٨﴾ يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَ إِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ

الْقَرَارِ ﴿٣٩﴾ مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ

أَوْ أُتِيَ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ

حِسَابٍ ﴿٤٠﴾ يَا قَوْمِ مَا لِي أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجَاةِ وَ تَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ ﴿٤١﴾

تَدْعُونَنِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَ أَشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَ أَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى

الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ ﴿٤٢﴾

ترجمه آیات ۴۲ - ۲۳

و قطعاً ما موسی را با آیاتمان و دلیل روشنی فرستادیم. (۲۳)

به طرف فرعون و هامان و قارون. پس آن‌ها گفتند: ساحر بسیار دروغگوئی است. (۲۴)

پس وقتی که حق را از جانب ما برای آن‌ها آورد، گفتند: پسران کسانی که با او ایمان آورده‌اند، بکشید و

زنهایشان را زنده نگهدارید و نقشه کافران جز در گمراهی نخواهد بود. (۲۵)

و فرعون گفت: مرا تنها بگذارید تا موسی را بکشم و او پروردگارش را بخواند. من می‌ترسم که او دین

شما را عوض کند یا اینکه در زمین فساد را ظاهر نماید. (۲۶)

و موسی گفت: من به پروردگارم و پروردگار شما از هر متکبری که به روز حساب ایمان ندارد، پناه

می‌برم. (۲۷)

و مرد مؤمنی از اطرافیان فرعون که ایمانش را کتمان می‌کرد، گفت: آیا شما می‌خواهید مردی را بکشید

که می‌گوید: پروردگار من خدا است و دلائلی از طرف پروردگارتان برای شما آورده است؟ اگر دروغگو

باشد، پس دروغش به ضرر خودش می‌باشد و اگر راستگو باشد، بعضی از آن چیزی که وعده‌تان می‌دهد، به

شما خواهد رسید. قطعاً خدا کسی را که اسراف‌کننده بسیار دروغگوئی باشد، هدایت نمی‌کند. (۲۸)

ای قوم من، سلطنت امروز مال شما است و در زمین شما پیروزی. پس چه کسی از عذاب خدا اگر به ما

برسد، به ما کمک می‌کند؟ فرعون گفت: من جز آنچه را که می‌بینم، به شما نشان نمی‌دهم و من جز به راه کمال

و رشد، شما را راهنمایی نمی‌کنم. (۲۹)

و کسی که ایمان آورده بود، گفت: ای قوم من، قطعاً من بر شما مثل روز احزاب می‌ترسم. (۳۰)
مثل روش قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که بعد از آن‌ها بودند و خدا برای بندگانش ظلم را
نمی‌خواهد. (۳۱)

و ای قوم من، قطعاً من بر شما از روزی که صدا می‌زنند، می‌ترسم. (۳۲)
روزی که در حال پشت کردن فرار کنید، برای شما از جانب خدا هیچ نگره‌دارنده‌ای نیست و کسی را که
خدا گمراه کند، برای او راهنمایی نخواهد بود. (۳۳)

و یوسف قبلاً با دلائل به سوی شما آمد. پس شما دائماً درباره آنچه که برایتان آورده بود، در شک بودید
تا زمانی که از دنیا رفت. شما گفتید که خدا بعد از او هرگز پیامبری نخواهد فرستاد. این چنین خدا کسی را که
اسراف‌کننده و تردیدکننده باشد، گمراه می‌کند. (۳۴)

کسانی که بدون آنکه تسلطی برای آن‌ها رسیده باشد در آیات خدا بحث و جدال می‌کنند، چه بسیار آن
جدال نزد خدا و نزد کسانی که ایمان آورده‌اند، مبعوض است. این چنین خدا هر قلب تکبرکننده جباری را
مُهر می‌کند. (۳۵)

و فرعون گفت: ای هامان، ساختمان بلندی برای من بساز، شاید بتوانم به وسائلی دسترسی پیدا
کنم. (۳۶)

سبب‌هایی که بشود به آسمان رفت تا از خدای موسی اطلاع پیدا کنم و حتماً من او را دروغگو فکر می‌کنم
و این چنین برای فرعون، زشتی عملش زینت داده شده و از راه راست بازمانده شده بود و کید و مکر فرعون
جز به هلاکت او نینجامید. (۳۷)

و کسی که ایمان آورده بود، گفت: ای قوم من، از من پیروی کنید تا شما را به راه رشد و کمال هدایت
کنم. (۳۸)

ای قوم من، جز این نیست که این زندگی دنیا بهره‌ای است (زودگذر) و قطعاً آخرت همان خانه باثبات و
پایدار است. (۳۹)

کسی که کار بد کند، جز به مانند آن جزا داده نمی‌شود و کسی که عمل شایسته کند، مرد یا زن و در حالی
که او مؤمن باشد، پس همه آن‌ها به بهشت داخل می‌شوند و در آنجا بی حساب روزی داده می‌شوند. (۴۰)
و ای قوم من، مرا چه شده است که من شما را به نجات دعوت می‌کنم ولی شما مرا به سوی جهنم
می‌خوانید؟ (۴۱)

شما مرا دعوت می‌کنید برای اینکه به خدا کافر شوم و برای او آن چیزی را که به آن علم ندارم شریک قرار دهم و من شما را به سوی عزیز آمرزنده‌ای دعوت می‌کنم. (۴۲)

برداشت از آیات ۴۲ - ۲۳ (پندهایی از قضیه‌ای از حضرت موسی علیه السلام)

سالک الی الله باید پندهای زیر را از قضیه حضرت موسی علیه السلام و فرعون یاد بگیرد:

- ۱ - همیشه مسائل علمی و حقیقی را با استدلال و تسلط کامل برای طرف مخالف بیان کند.
- ۲ - دشمنان هر تهمتی به انسان بزنند با شرح صدر آنها را نشنیده بگیرد و از پای در نیاید.
- ۳ - ظالمین هر جنایتی را که بکنند چون در گمراهی هستند خدای تعالی روزی آنها را به جزای اعمالشان می‌رساند.
- ۴ - باید بداند که طاغوتها در هر زمان خوبان را به عنوان مفسد ممکن است بکشند و یا اذیت کنند و خدای تعالی سالکین الی الله را به این وسیله امتحان می‌کند.
- ۵ - باید سالک الی الله از متکبرین و کسانی که به روز قیامت ایمان ندارند به خدا پناه ببرد تا خدا پشتیبان او باشد.
- ۶ - باید همیشه ظالمین را نصیحت کند و با استدلال آنها را به حقیقت راهنمایی نماید.
- ۷ - اگر لازم بود برای مصالح مهمی ایمان و اعتقادش را کتمان کند و تقیه نماید باید آن را انجام دهد.
- ۸ - خدای تعالی کسانی را که اسراف می‌کنند و یا زیاد دروغ می‌گویند هدایت نمی‌کند.
- ۹ - باید سالک الی الله از عذابهایی که بر گذشتگان به خاطر سرپیچی‌شان از فرمان خدا آمده، مردم را بترساند و آنها را موعظه کند.
- ۱۰ - سالک الی الله در مواعظش باید مردم را از خواب غفلت بیدار کند و روز قیامت را برای آنها با استدلالات روشن نماید.
- ۱۱ - سالک الی الله باید به مردم بفهماند که اگر خدا انسان را به حال خود واگذاشت برای او راهنمایی پیدا نمی‌شود.
- ۱۲ - باید سالک الی الله با قصه‌های قرآن مثل قصه حضرت یوسف علیه السلام مردم را راهنمایی کند و برای آنها برداشت‌های خوبی داشته باشد.
- ۱۳ - سالک الی الله نباید اسراف کننده باشد.
- ۱۴ - سالک الی الله نباید در عقاید شک و تردید داشته باشد والا خدا او را به حال خود وامی‌گذارد و

هدایتش نمی‌کند.

۱۵ - سالک الی الله نباید آیات قرآن را به رأی خود تفسیر کند و آنها را مورد بحث و گفتگو قرار دهد زیرا اگر این کارها را بکند خدای تعالی و کسانی را که ایمان آورده‌اند به غضب در می‌آورد و آنها از او بیزارند.

۱۶ - سالک الی الله باید بداند که اگر نسبت به بندگان خدا متکبر و جبار باشد خدای تعالی او را در قبض کامل نسبت به معنویات قرار می‌دهد.

۱۷ - سالک الی الله باید بداند که کبر و غرور سبب بی اعتقادی و جنون می‌شود و حقایق را از راه صحیح نمی‌تواند به دست بیاورد و در کارهای معنوی به بن بست می‌رسد.

۱۸ - سالک الی الله در موارد خطر باید تقیه کند آن چنان که مؤمن آل فرعون با تقیه طرفداران فرعون را هدایت می‌فرمود.

۱۹ - سالک الی الله باید بداند که زندگی دنیا زودگذر است و زندگی پایدار، عالم آخرت است.

۲۰ - سالک الی الله باید بداند که خدا به قدری مهربان است که او اگر کار بدی انجام دهد خدای تعالی جز به همان مقداری که بد کرده او را مؤاخذه نمی‌کند ولی کسانی که عمل شایسته انجام دهند و مؤمن باشند چه زن باشند و چه مرد، خدای تعالی آنها را به بهشت داخل می‌کند و بی حساب به آنها روزی می‌دهد. سالک الی الله باید به کسانی که به او نیکی کرده‌اند، نیکی کند و نسبت به آنها بدی نکند و راهنمایی‌های صحیحی برای آنها داشته باشد.